

اروپا می تواند نقش ژئوپولیتیک ایران بر امنیت انرژی خود را نادیده بگیرد؟



متن پیش‌رو گردیده‌ای از مقاله‌ای است که توسط مجید توسلی‌رکن آبادی دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و جواد جوزی کارشناس ارشد علوم سیاسی نگارش شده و در شماره اخیر فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی منتشر شده است که در ادامه آن از نظر می‌گذرانید.

۱۱۱

اروپا گرچه با در اختیار داشتن ۲۰ درصد ناخالص ملی جهانی، بزرگ‌ترین حوزه اقتصادی جهانی است و اتحادیه اروپا براساس استراتژی تدوین شده در سال ۲۰۰۰، به نام استراتژی لیسیون، قرار بود به پویاترین اقتصاد دانش پایه دنیا تبدیل شود ولی به دلایل متعدد در این مهم ناکام ماند و امروزه با بحرانی جدی روبه‌رو است و از طرف دیگر، اروپا فاقد ابزار تحمیل اراده در قالب قدرت سخت است و این مساله بر ابهام در امکان تضمین آینده‌ای قابل اطمینان می‌افزاید. کشورهای عضو اتحادیه اروپا مجبور به واردات بیش از نیمی از مصرف خود از خارج هستند و از طرف دیگر، به دلایل اقتصادی و زیست‌محیطی اروپا ناچار است سوخت زغال سنگ خود را با سوخت‌های جایگزین و عمدتاً نفت و گاز وارداتی جایگزین کند.

در حال حاضر، حدود ۴۰ درصد واردات نفت اروپا از خاورمیانه و شمال آفریقا تأمین می‌شود. حدود ۴۰ درصد گاز وارداتی به اروپا را نیز روسیه تأمین می‌کند. بخش اعظم واردات اروپا از مسیر سرمایه‌گذاری گسترده بر خطوط لوله انجام می‌شود و این مساله باعث وابستگی اروپا به روسیه در تأمین منابع انرژی خود شده است. کنترل و تسلط روسیه بر بازار انرژی اروپا، قدرت مانور زیادی برای امتیازگیری در اختیار روسیه قرار داده است. حوادث سال‌های ۲۰۰۹ شکستگی وضعیت اروپا را به نمایش درآورد. در این سال‌ها، روسیه به بهانه اختلاف با اوکراین بر سر قیمت گاز، در آغاز زمستان سرد اروپا، گاز ارسالی به اروپا را قطع کرد. این مساله کشورهای اروپایی به‌ویژه کشورهای مانند فنلاند و استونی که بیش از ۹۸ درصد از سوخت گاز خود را از روسیه تأمین می‌کردند را با بحرانی جدی و قطع سوخت و برق در آن زمستان سخت روبه‌رو کرد. از طرف دیگر نیز روسیه کوشیده است نقش برتر خود در کنترل بازار انرژی اروپا را تا دوام بخشد. براساس آمار ارائه‌شده توسط آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف نفت تا سال ۲۰۳۰ حدود ۹۰ درصد افزایش می‌یابد. کل سوخت اتحادیه تا سال ۲۰۳۰ حدود ۴۷ درصد افزایش می‌یابد که ۸۰ درصد این افزایش از منابع سوخت فسیلی تأمین می‌شود. هرچند بخش اعظم واردات سوخت اروپا توسط روسیه تأمین می‌شود، ولی تأمین این افزایش از توان روسیه نیز خارج است. با توجه به مباحث ذکرشده در مورد وابستگی روزافزون اتحادیه اروپا به انرژی، عدم کفایت منابع داخلی برای تأمین این نیاز، کاهش ظرفیت تأمین داخلی و ناتوانی ذخایر موجود، این واقعیت که بخش عمده‌ای از واردات از روسیه تأمین می‌شود، تحولات بی‌دری در کشورهای مناطق نفت خیز و توجه به این مساله که روندهای موجود همگی به تشدید و بحرانی شدن این موضوع منجر می‌شود، اتحادیه اروپا خود را در وضعیت بسیار آسیب‌پذیر می‌بیند که امنیت این اتحادیه و تک‌تک کشورهای عضو را به شدت تهدید می‌کند. این واقعیت باعث شده در سال‌های اخیر، امنیت انرژی به یکی از مسائل بسیار مهم و سرنوشت‌ساز اتحادیه اروپا تبدیل شود و در عناوین امنیتی اتحادیه، نهادهای امنیتی از جمله ناتو و تک‌تک کشورهای عضو قرار گیرد.

تحولات و حوادث سال‌های اخیر ابعاد امنیتی مساله را افزایش داده است. اختلافات با کشورهای روسیه و طمع روسیه بر استفاده از مزیت خود در تأمین انحصاری نفت و گاز اتحادیه اروپا و اعمال فشار، اروپا را با مشکل امنیتی اساسی روبه‌رو خواهد ساخت. از طرفی، اتحادیه اروپا به دلیل پیروی دنباله‌روانه از سیاست‌های آمریکا در تحریم ایران خود را از فرصت‌ها و امکانات موجود در انرژی و موقعیت ژئوپولیتیک ایران نیز محروم کرده است. تحولات بهار عربی و ناامنی ایجادشده در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا که از منابع بالقوه و بالفعل تأمین انرژی موردنیاز اروپا هستند و فرآیند روبه تشدید قدرت‌گیری حاکمیت جریان‌های اسلامی، جریان‌های ضد صهیونیستی و جریان‌های مستقل در این کشورها، فضای اطمینان‌بخشی را که حاکمان مستبد و توتالیتر پیشین این کشورهای برای غربی‌ها فراهم کرده بودند، از بین برده و نوعی فضای عدم اطمینان و ابهام برای آنها به وجود آورده است. تحولات بهار عربی در کشورهای دارنده منابع انرژی و تجربه انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای اتحادیه اروپا را که به دلایل هویتی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی پیوندهای گسترده‌ای با رژیم صهیونیستی دارند، متوجه این خطر امنیتی کرده است که آنها در یک حالت محاصره‌ای قرار دارند که مهم‌ترین شریان حیاتی اقتصاد و بقای جامعه آنها از طرفی در کنترل روسیه و از طرف دیگر، در اختیار کشورهای مسلمان قرار گرفته است.

ژئوپولیتیک ایران و امنیت انرژی اتحادیه اروپا

مساله تأمین امنیت انرژی سال‌هاست به دغدغه اصلی کشورهای قدرتمند تبدیل شده است. آمریکا نیز که در این زمینه احساس ضعف می‌کند، اقدامات گسترده‌ای به عمل آورده که از وابستگی و نقاط ضعف خود بکاهد. اسناد منتشره توسط کاخ سفید حاکی از عزم جدی در این مورد است. اتحادیه اروپا برای غلبه بر این مشکل اساسی امنیتی و وابستگی روزافزون بر واردات انرژی، اقدامات گسترده‌ای به عمل آورده است. طیف گسترده این اقدامات از صرفه‌جویی در مصرف انرژی، یافتن منابع جایگزین نفت و گاز، تعامل بیشتر با روسیه در مطمئن‌سازی بیشتر این بازیگر اصلی، یافتن تأمین‌کنندگان نفت و گاز جایگزین، سازوکارهای سیاسی و حقوقی تا تدابیر نظامی و امنیتی را در بر می‌گیرد.

کشورهای اروپایی بی‌علاقه نیستند که مبدأ تأمین گاز خود را تغییر دهند یا حداقل نیازهای خود را محدود به منابع ثابت و ویژه نکنند؛ بنابراین، از دربار توجه ویژه‌ای به ایران داشته‌اند که دومین دارنده ذخایر گازی دنیا است. با توجه به سابقه روسیه در قطع جریان گاز به شرق و غرب اروپا، کوشش برای متنوع ساختن منابع تأمین گاز اروپا به منظور افزایش ضریب امنیت توزیع انرژی، بیش از هر زمان مورد توجه مراکز تصمیم‌گیری در اروپا قرار گرفته است. نکته مهم دیگر در جهت این خواسته، چشم‌پوشی نکردن از قابلیت‌های ایران است که از مسیرهای اصلی انتقال انرژی آسیای مرکزی است. در طول سال‌های گذشته، اروپا درصدد یافتن منابع نفتی مطمئن و جایگزین به آسیای مرکزی و قفقاز روی آورده و طرح‌ها و پروژه‌های بلندپروازانه‌ای را در این مناطق دنبال کرده است.

اروپا در سال‌های اخیر به این گزینه نیز توجه کرده است که در مواردی پایدار اقدامات و ابزار متفاوتی نیز بهره‌گیرد و در چارچوب تجربه قدرت‌های بزرگ اقداماتی با جنس و تأثیر متفاوت را انجام دهد. این گزینه با اقدامات پیش‌دستانه و حتی به کارگیری نیروی نظامی جهت مهندسی نظام منطقه‌ای و دستکاری در معماری بازار عرضه پیوند می‌یابد. شاید نمایان‌ترین تجلی این رویکرد استعماری سنتی که در شکل جدید مجدداً مورد تجربه قرار می‌گیرد را بتوان در دخالت نظامی همه‌جانبه و فراتر از اختیارات مرسوم بین‌المللی در قرضه لیبی مشاهده کرد که کشورهای عضو ناتو در اقدامی همه‌جانبه چنان بر متحد سابق خود تاختند که در عرض چند ماه و با همکاری مردم آن کشور توانستند موفقیت‌آمیزترین مأموریت ناتو را انجام بدهند. بی‌شک می‌توان انجام این امر کم‌سابقه در صحنه بین‌المللی در این مقیاس را مرتبط با منابع غنی انرژی در نزدیکی مرزهای اروپا دانست. وجود این منابع ارزشمند نفت و گاز در

لیبی بود که انگیزه و توجیه کافی برای سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان برای مداخله همه‌جانبه را فراهم ساخت. در مفهوم جدید استراتژیک ناتو که در سال ۲۰۱۰ توسط سران کشورهای عضو ناتو در لیسیون تصویب شد و به‌عنوان نقشه راه ۱۰ سال آینده ناتو مطرح شد نیز برای نخستین بار از امنیت انرژی صحبت شده و بیان شده است که: «توانمندی خود، در مشارکت در امنیت انرژی شامل محافظت از شالوده‌های حساس انرژی و مناطق ترانزیتی و خطوط آن را افزایش می‌دهد، با طرف‌های مسأله همکاری می‌کند و در این مورد با متحدان مشورت خواهد کرد». در همین چارچوب، آنها نهاد جدیدی را برای بر عهده گرفتن مسائل جدید امنیتی و از جمله مربوط به امنیت انرژی در ساختار ناتو ایجاد کردند. البته، باید در نظر گرفت که در شرایط کنونی، ناتو هنوز نقشی مکمل در فضای امنیتی کشورهای اروپایی دارد. کشورهای عضو ناتو نیز بیشتر بر توانمندی‌های فردی خود در تأمین امنیت حساب می‌کنند. ورود این مباحث در شرح وظایف و حیطه مسئولیت ناتو را می‌توان تحولی اساسی در ناتوی قلمداد کرد که وظیفه آن طمع اساسنامه‌اش، تنها دفاع سرزمینی در برابر حمله شوروی بود. مسائلی از قبیل مساله امنیت انرژی، اقدامات فرامنطقه‌ای، اقدامات پیش‌دستانه و اقداماتی از نوع عملیات گسترده ناتو در لیبی از مواردی است که ضمن ایجاد کارکرد جدید برای ناتو، مفاهیم جدیدی در معماری نظام امنیت بین‌المللی نیز ایجاد می‌کند. در این میان، ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان، در سطوح امنیت جهانی انرژی و همکاری آسیایی نقش تعیین‌کننده‌ای برعهده دارد. در بازار جهانی انرژی، ایران از دو نظر در کانون توجه و مرکز تعاملات بین‌المللی قرار دارد: اول، موقعیت ژئوپولیتیک کشور و قرار گرفتن جمهوری اسلامی در کانون بیضی انرژی جهانی و دوم، نقش حیاتی ایران در امنیت جهانی انرژی. ایران بزرگ‌ترین قدرت منطقه‌ای در خلیج فارس است که منافع ملی آن بر مسائل خلیج فارس تأثیر می‌گذارد. ایران به دلایل مختلف قدرت برتر خلیج فارس است و آن را حیاط خلوت، خود می‌داند. ۶۰ درصد جمعیت حوزه خلیج فارس متعلق به ایران است. ایران از نظر نظامی از تمام کشورهای خلیج فارس قوی‌تر است و قدرت دریایی این منطقه نمی‌تواند با قدرت دریایی ایران مقابله کند، کل سواحل شمالی خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای عمان و گوشه غربی اقیانوس هند جزء قلمروی ایران است. ایران سرمایه‌گذاری بزرگ و سنگینی در مناطق جنوبی خود انجام داده است. ۴۵ درصد ذخایر گاز طبیعی حوزه خلیج فارس و ۱۶/۵ درصد ذخایر نفت در اختیار ایران است. در حوزه دریای خزر، امروزه اختلافات موجود بیشتر بر سر منابع سرشار انرژی خزر است و توجه کشورهای فرامنطقه‌ای آن

منطقه را جلب می‌کند، همچنین ویژگی‌های خاص کشورهای حوزه خزر و نیاز آنها به بازارهای جهانی صادرات و واردات (به‌ویژه صادرات نفت و گاز که اقتصاد آنها در دهه‌های اخیر به آن استوار است) تحولات منطقه را به سوی عامل انرژی و مسائل نفت و گاز و سیاست‌های مربوط به انتقال آن سوق داده است. در حوزه دریای خزر، جمهوری اسلامی دارای نقش محوری است. کشورهای ساحلی دریای خزر از دریایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان اند. در حال حاضر، کشورهای حوزه دریای خزر از کشورهای تولیدکننده به نسبت کوچک نفت و گاز درآیند که با مشکلات دوران گذار اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

همچنین، ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیک ویژه‌ای که در منطقه محصور در خشکی آسیای مرکزی دارد، یک کشور ترانزیتی مطلوب است و می‌تواند تولیدات نفت و گاز قزاقستان و ترکمنستان را به بهترین شکل به دریای آزاد و حتی از طریق ترکیه به اروپا برساند. موقعیت خاص ژئوپولیتیک ایران به گونه‌ای است که با عبور لوله‌های نفت و گاز از خاک ایران منجر به گسترده شدن همکاری‌های ژئواکونومیک این کشور با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز می‌شود. این همکاری‌های بخش انرژی همکاری‌های اقتصادی را به دنبال دارد که در نهایت، منجر به یکپارچگی ژئوپولیتیک ایران با حوزه خزر خواهد شد. تأکید بر همکاری‌های انرژی، اقتصادی و هماهنگی‌های وسیع سیاسی می‌تواند زمینه‌ساز اعتمادسازی‌های عمیق در منطقه شود؛ زیرا اقتصاد ایران اقتصادی وابسته به انرژی است. در واقع، به دلیل وابستگی ایران به فروش نفت و گاز همیشه تحولات خارجی تا حدودی بر اقتصاد کشورمان اثرگذار بوده است. تولیدروانه نفت و قیمت نفت ایران در بازارهای جهانی فاکتورهایی‌اند که همیشه سرنوشت اقتصاد کشور را تعیین کرده‌اند. در کنار تمام این اقدامات، اروپا به دلایل سیاسی هنوز نتوانسته است این واقعیت را بپذیرد که گزینه‌ای همانند تأمین انرژی از ایران در زمره مطمئن‌ترین و ارزان‌ترین گزینه‌های پیش‌رو محسوب می‌شود.

شرکت آب منطقه تهران

فرخوان مناقصه عمومی

شرکت آب منطقه‌ای تهران در نظر دارد انجام خدمات بهره برداری، تعمیرات و نگهداری از سیستم جمع آوری آب چاه‌های جنوب تهران و انتقال آن تا ابتدای کانال ریاض کریم را با جزئیات مندرج در اسناد مناقصه و با بهره گیری از سامانه نذار کات الکترونیکی دولت (سناد) از طریق پرتال گزای مناقصه عمومی به پیمانکار ذصلاح واگذار نماید. لذا کلیه شرکت‌های دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در حداقل رتبه ۵ رتبه تاسیسات و تعمیرات و ظرفیت مجاز کاری می‌توانند جهت اطلاع از شرایط مناقصه و دریافت اسناد ارجاع کار با شماره فرخوان ۰۲۷-۱۰۲۵۰۰۱۰۲۹۹۰۰۱ وب گاه سامانه یاد شده به نشانی: www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به ارائه پیشنهاد خود با رعایت موارد ذیل اقدام نمایند:

- ۱- بر آورد انجام کار بر اساس فهرس بیه‌ایه پایه سال ۹۹ در رتبه‌های بهره برداری و نگهداری تاسیسات آب شرب، انتقال و توزیع آب روستایی، تاسیسات برقی و چاه و قنوات و میزان ۱۶۶.۷۶۱.۵۵۰ ریال و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۶۰.۵۳۸.۲۲۷ ریال می‌باشد.
- ۲- برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه مناقصه‌های الکترونیکی دولت بوده و کلیه مراحل فرایند مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی، اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه یاد شده انجام خواهد شد. لذا کلیه شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست صرفاً طرف مهلت‌های تعیین شده در پایگاه مذکور و با استفاده از اعضای الکترونیکی، نسبت به ثبت پیشنهاد خود اقدام نمایند.
- ۳- شرکت کنندگان در مناقصه می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی اعضای الکترونیکی (توکن) با دفتر ثبت نام به شماره‌های ۸۸۱۹۱۳۳۷ و ۸۵۱۹۱۳۳۸ و یا مرکز پشتیبانی به شماره ۱۹۴۴ تماس حاصل نمایند.
- ۴- مناقضین شرکت در این مناقصه می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر در این زمینه به سایت‌های اطلاع‌رسانی به نشانی: www.thrw.ir, www.lets.mporg.ir مراجعه نموده یا با شماره ۸۸۱۹۲۱۱۳ (دستگاه مناقصه گزای) تماس حاصل نمایند.

رجوع عمومی شرکت آب منطقه تهران

آب هست، نابرای همیشه...

م. الف ۳۱۰۴